

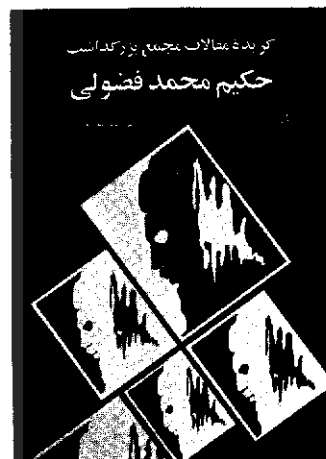
سینا، ابن طفیل را بررسی کرده و تأثیر آراء افلاطون بخصوص مدینه فاضله وی را در تکوین آراء فلسفه سیاسی اسلام بسیار اساسی می‌داند.

جامعه‌شناسی کار و شغل

مع الاسف جای این کتاب و فرهنگ‌هایی نظیر آن در فروع رشته‌های اصلی علوم انسانی بسیار خالیست و گرچه چندان از انتشار فرهنگ فلسفه یا فرهنگ سیاست، جامعه‌شناسی، اقتصاد و... در کشور مانمی‌گذرد در عین حال این انتظاری گزاف نیست که شعب این علوم اصلی نیز که امروزه خود به رشته‌های اصلی دیگری تبدیل شده‌اند در قالب فرهنگ‌های فلسفه سیاسی - اقتصادی، دین، اقتصاد سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی و... در اختیار دانش پژوهان و محققین قرار گیرد.

رضا بهشتی شمع

پاریس - خرداد ۷۶



گزیده مقالات مجمع

بزرگداشت حکیم محمد فضولی

به اهتمام: علی اصغر شمر دوست

ویراستار: زکریا طرز می

چاپ اول: ۱۳۷۵

بهام: ۹۰۰۰ ریال

کتاب مذکور شامل مجموعه مقالاتی است که در مجمع بزرگداشت حکیم محمد فضولی ارائه گردید. مجمع مذکور در سال ۱۳۷۴ همزمان با زاد روز امیرمؤمنان علی(ع) در تهران برگزار شد.

استادکاری وجود داشت و تنها پس از گذشت چند دهه به صورت نظام غالب درآمد. حتی امروز هم استادکاران مستقل در پاره‌ای از حرفه‌ها، نظیر تعمیر کفش و قابسازی که نیاز به سرمایه‌چندانی ندارد، اهمیت خود را حفظ کرده‌اند. در حالی که در کشورهای در حال توسعه هنوز کارهای بدی، استادکاری، کارهای خانگی و صنایع کوچک غالب است؛ در جوامع صنعتی امروز کارخانه‌های بزرگ غلبه دارند و کار در عرصه‌های دیگر تولید نیز تابع الگوهای مشابه صنعت در روابط اجتماعی صنعتی است.

تولید کارخانه‌ای، حاصل تغییراتی چند در شیوه‌های ابتدایی تولید بود که مشخص‌ترین آنها دگرگونی در وضعیت اجتماعی کارگران بود. این دگرگونی در وهله اول به معنی تمرکز نیروی کار در یک کارگاه یا کارخانه و در نتیجه جدا شدن محل کار از خانه و محل زندگی فرد بود. در مرحله دوم، نظارت دائمی کارفرما بر کارگران و امکان مستقیم کار باعث شد که کار از آنچه در نظام استادکاری و تولید خانگی بود، پیچیده‌تر و گسترده‌تر شود. در مرحله سوم، روند فوق تا حد زیادی با استفاده از نیروی ماشین و مکانیزه شدن کارها ملازمت داشت و از این رو کارفرمای صنعتی سرمایه ثابتی بس عظیمتر از آنچه که کارفرمای تاجر بدان نیاز داشت، باید به کار می‌گرفت. هر چند پیش از قرن هجدهم نمونه‌هایی از تمرکز کارگران در درون کارگاه‌ها و حتی روند نظارت کارفرما بر جریان کار را می‌توان نشان داد؛ اما استفاده از دستگاههای مولد نیرو یا محرکه آب پا بخار یا سایر انرژیها در چهارچوب نظام کارخانه‌ای میسر گردید.

صنعتگران مستقل برخلاف کارگران صنعتی (کارخانه‌ای) مالک ابزار و محل کار خود بودند؛ مواد خام مورد نیاز خود را

کتاب شامل یک پیشگفتار و نه فصل است. مؤلف محترم که کتاب را برای تدریس تدوین کرده است، پس از تمهید مقدمه‌ای خوب و ذکر کلیاتی درباره کار و تلقی‌های گوناگون نسبت به آن (فصل اول) به بیان روش‌های پژوهش در جامعه‌شناسی کار و شغل پرداخته (فصل دوم) و رابطه این بحث را با مسائل و مطالب دیگر علوم اجتماعی روشن ساخته (فصل سوم) و با ورود به مطلب مهم تحول در معنی کار و بیان اوصاف کار صنفی (فصل چهارم) به روان‌شناسی اجتماعی کار صنعتی رسیده است (فصل پنجم). در فصل ششم کار و اشتغال به‌طور کلی مورد بحث قرار گرفته و فصول هفتم و هشتم مشتمل بر پژوهش است در باب کار و اشتغال در ایران و رشد کارگران صنعتی در کشور ما. فصل نهم نظری در باب آینده کار و تحول کار در آینده. برای آشنایی خوانندگان با نظر کلی نویسنده قسمتی از فصل آخر کتاب را نقل می‌کنیم:

تحولات صنعتی و آینده کار

در جوامع صنعتی تقریباً همه مردم در دوره‌ای از زندگی‌شان مزدبگیرند. برعکس، در جوامع غیرصنعتی که حدود سه چهارم جمعیت شاغل را کارکنان مستقل، کارفرماها یا کارکنان فامیلی تشکیل می‌دهند، مزدوری یک پدیده عام و همگانی نیست؛ هر چند در دهه‌های اخیر با توسعه صنعت و افزایش فعالیت‌های بخش دوم و سوم بر تعداد مزدبگیران این جوامع نیز روز به روز افزوده می‌شود.

نظام مزدبگیری با نظام تولید کارخانه‌ای که از قرن نوزدهم ابتدا در بریتانیا و سپس در نقاط دیگر مستقر شد ملازمت داشت. در بریتانیا و سایر کشورهای صنعتی (اروپا و آمریکا) نظام تولید کارخانه‌ای تا مدتها در کنار نظام تولید خانگی و

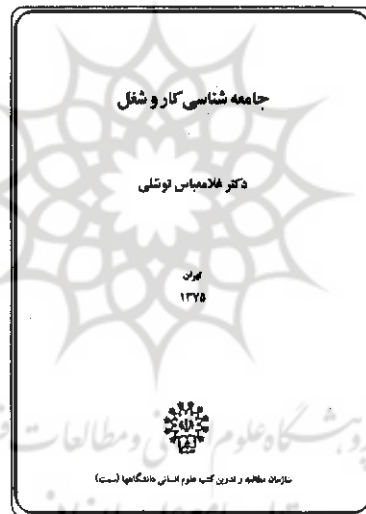
شخصاً می‌خریدند و کالای ساخته شده را مستقیم و بی‌واسطه می‌فروختند. کارکنان تولیدات خانگی نیز هر چند بیشتر به کارفرمای تاجر وابسته بودند؛ اما هنوز مالک ابزار و محل کارشان بودند و در آنجا افراد خانواده و حتی کودکانشان را به کار می‌گرفتند.

به‌طور خلاصه، کارگر کارخانه هر چند قانوناً آزاد است ولی برخلاف اکثر کارگران نظام خانگی از لحاظ اقتصادی و اجتماعی تابع و وابسته است. کارگر مزدبگیر کارخانه‌ای اسیر انضباط کارفرمایی است که آغاز و پایان و مدت کار را تعیین می‌کند و از او می‌خواهد که با سرعت مشخصی کار کند. نظام کارخانه‌ای باعث تقسیم کار بیشتری شد و با به کار گرفتن نیروی ماشین و تخصص توسعه زیادیتری یافت. با این حال، باید توجه داشت که بیشتر کارهای کارخانه‌ای هنوز به کارگر نیمه ماهر یا بدون مهارت نیازمند است و این بخشی از روند کلی کار به شمار می‌رود.

در نظام کارخانه‌ای رضایت درونی که از نفس کار یا به اتمام رساندن آن و ساخت کامل کالا حاصل می‌شود کاهش یافت و زندگی کاری با محرومیت‌های ذاتی‌اش به سرعت از زندگی خانگی و فراغت که از آن انتظار می‌رفت جدا شد.

از نیمه قرن نوزدهم ابداع ماشین‌آلات و استفاده از آن با رشد نظام کارخانه‌ای همراه شد و روند تولید، که از آغاز تا انجام توسط یک صنعتگر و در یک حرفه صورت می‌پذیرفت به عملیات کارگران نیمه‌ماهر بر روی دستگاه‌های خاصی بدل شد. هیچ چیز مانع روند فزاینده مکانیزاسیون و به تبع آن جانشینی تازه کارها به جای استادکاران قدیمی نبود. کارگران تابع صاحبان کارخانه و تحت تأثیر کسب و کار فصلی و بازار عرضه و تقاضای نیروی انسانی بودند.

مرحله بعدی با انتقال مالکیت کارخانه‌ها از خاستواده‌های محلی به سرمایه‌داران مقیم شهرهای بزرگ مانند لندن و نیویورک صورت پذیرفت. این امر با مکانیزه شدن بیشتر و استفاده از شیوه خط تولید زنجیره‌ای ملازمت داشت و از سوی دیگر تقریباً تمامی کارها به مهارت کمتری نیاز داشت و غالباً یکنواخت‌تر می‌شد. بدین ترتیب بازار وسیعتر شد؛ اما کنترل بازار خرده‌فروشی در دست تولیدکنندگان بزرگ بود.



در همین عصر بحث از خودبستگی کارگر از کار مطرح شد و اتحادیه‌های بزرگ صنعتی کارگران، سازمان یافت و اعتصابات کارگری حمایت از کارگران را در برابر سازمان عظیم بوروکراتیک و غیرشخصی امکان‌پذیر ساخت. به این ترتیب، انگلستان و امریکای شمالی در قالب نظام سرمایه‌داری، صنعتی شدند. پیشگامی در تأسیس کارخانه‌ها، استخدام کارگران و ایجاد بازوهای جدید به عهده سرمایه‌داران بعدی بود که با به کار گرفتن سرمایه یا استقراض در جهت کسب منافع خود قدم برمی‌داشتند و منافع اقتصادی را با استفاده

از سازمان عقلانی کار آزاد به حداکثر می‌رساندند. به‌طوری که گفته می‌شد، رشد نظام کارخانه‌ای و در پی آن دگرگونی روابط اجتماعی تولید به نحو چشمگیری از تکیه بر بازارهای آزاد و ملاحظات تجاری متأثر بوده است.

اما در جوامع دیگر روند صنعتی شدن اشکال دیگری یافت. در بخش‌هایی از اروپای غربی نظیر آلمان و روسیه تزاری، دولت مرکزی - هر چند در چهارچوب سرمایه‌داری - نقش عمده‌ای داشت. در شوروی سابق و اروپای شرقی و بسیاری از جوامع در حال توسعه در زمان حاضر نخستین گامهای توسعه صنعت را دولت برداشته و مالکیت وسایل تولید عمدتاً در دست دولت بوده است. در سایر جوامع در حال توسعه حکومت‌های استعماری یا شرکت‌های فراملیتی مبدأ برخی دگرگونیها بوده‌اند و در موارد دیگر، اقتصاد مختلط توسعه یافته است...

تأثیر علم و تکنولوژی

یکی از خصیصه‌های اصلی پیشرفت تاریخی سرمایه‌داری صنعتی به عنوان یک نظام اقتصادی، لزوم افزایش کارایی نیروی کار بوده است. همین که سرمایه‌داری به نهایت توسعه تشکیلات اولیه‌اش رسید - که متکی به تشکیلات ساده و فاقد هرگونه مقررات حمایتی از سوی اتحادیه‌های کارگری بود - نمی‌توانست با افزایش ساعات کار یا روزهای کاری یا بهره‌گیری از نیروی کار زنان و کودکان با دستمزد کم، کارایی و بهره‌وری را افزایش دهد؛ در اینجا افزایش بهره‌وری باید از راه کاربرد علم و تکنولوژی به دست می‌آمد. در این حال اتوماسیون مراحل مکانیزه شدن و تولید انبوه را با استفاده از دستگاه‌های پیچیده‌تر و کامپیوترهایی به پیش می‌برد که قادر به تولید کسالا، کنترل میزان تولید، تبادل

اطلاعات، هماهنگ ساختن جریانهای مختلف تولیدات پیچیده و نیاز مختصر به عامل انسانی است. صنایع خودکار به کارگر کمتری نیاز دارند؛ زیرا بیشتر دستگاهها خودکارند. نیاز این صنایع به کارگرانی است که می‌توانند کامپیوتر را برنامه‌ریزی کنند و به مراحل مختلف پیشرفت کارها نظارت داشته باشند. آنها بیشتر به کارمندان و مهندسین نیاز دارند تا مسئولیتهایی را که بالاتر از کارگران خط زنجیره‌ای تولید است به عهده گیرند. کار کردن در صنایع خودکار ممکن است به معنای نشستن کنار میز و جعبه کلیدها در اطاق کنترل و دور از مکانی که مراحل کار عملاً صورت می‌گیرد باشد؛ حتی ممکن است عده‌ای در خانه شخصی خود این فعالیت و کنترل از راه دور را انجام دهند و نیازی به رفت و آمد به محل کار وجود نداشته باشد.

شگفت‌انگیزترین پیشرفت دهه ۱۹۷۰ اختراع و تولید چپس سیلیکون است. این پردازشگر ریزالکترونیکی تاکنون تحولی در تنظیم‌شونده‌های خودکار ایجاد کرده و امکان هدایت، کنترل و انجام پیچیده‌ترین مراحل تولید و مونتاژ را از طریق دستگاهها و رباتهای (آدم مصنوعی) فوق‌العاده دقیق که توسط کامپیوترهای بسیار پیشرفته کنترل می‌شوند، فراهم کرده است. هم اکنون در ژاپن و امریکا تعداد فزاینده‌ای از شرکتها از پردازشگرهای ریزالکترونیکی برای خودکار کردن صنایع خود استفاده می‌کنند. متخصصین پیش‌بینی می‌کنند که این پیشرفت در چند سال آینده باعث چند برابر شدن تولید، افزایش منافع و کاهش نیروی انسانی خواهد شد. برای نمونه دولت بریتانیا پس از تأیید کارایی و ظرفیت بالای تکنولوژی سیلیکون چپس چهار صد میلیون لیره انگلیسی در سال ۱۹۷۸ - ۱۹۷۹ صرف ساخت و تولید این پردازشگر ریزالکترونیکی کرده است که الزامات بلند مدت فراوانی دارد.

تحول کار در آینده

برخی دانشمندان پیش‌بینی می‌کنند که اگر این پردازشگرها بتوانند پیشرفت کلی داشته باشند تا پایان قرن جاری اکثر نسل

حاضر بیکار خواهند شد.

در این صورت آینده کار چیست؟ چه کسی کار خواهد کرد؟ تحت چه شرایطی کار انجام می‌شود؟ «آیا ما به سوی نوعی «بهترین دنیاها» سیر می‌کنیم که در آن دو درصد جمعیت از ربات‌ها استفاده خواهند کرد» و مشاغل پردرآمد خواهند داشت و بقیه ۹۸ درصد کار نخواهند کرد؟ در پایان دهه ۱۹۵۰ و آغاز دهه ۶۰ انتظار می‌رفت که خودکار شدن کارخانه‌ها با اخراجهای وسیع کارگران همراه شود. البته نگرانیهای آن دوره با توسعه بخش خدمات کم‌رنگ شد. اما امروز نیز افزایش بیکاری تکنولوژیک، خاطر را مشوش می‌سازد. خودکار شدن مشاغل اداری سرعت فوق‌العاده‌ای یافته است ولی این بار برای جمعیت عظیم کارمندان، «بقه سفیدها»، چگونه مشاغل جدیدی ایجاد خواهد شد؟ کار چگونه تغییر خواهد کرد؟ از شغل می‌شود حرف زد ولی آیا واژه‌های «کاربرد» و «بیکاری» همان معنایی را که در گذشته داشته‌اند، خواهند داشت؟ بحران فعلی یا بحران‌های پیشین تفاوت اساسی دارد و آن این است که این بار نوعی تجدید ساخت اساسی، اقتصاد را دچار بحران کرده است. در عصر صنعت، موج دوم، وارد شدن ماشین به دنیای کار، مرحله‌ای در راه تحول روابط کار بود است؛ زیرا ورود ماشین به دنیای کار: (۱) به افزایش مهاجرت روستاییان دامن زد؛ (۲) در محیطهای کاری تجمع و تراکم پدید آورد؛ (۳) باعث افزایش درآمد و رونق اقتصادی شد؛ (۴) نهادهای خاص خویش را پدید آورد؛ (۵) خانواده گسترده را تدریجاً به خانواده هسته‌ای تبدیل کرد؛ (۶) موجب بیکاری بسیاری از کارگران شد؛ (۷) تولید انبوه را جایگزین «تولید برای مصرف خانواده» کرد و «استاندارد شدن» تولید را به همراه داشت...

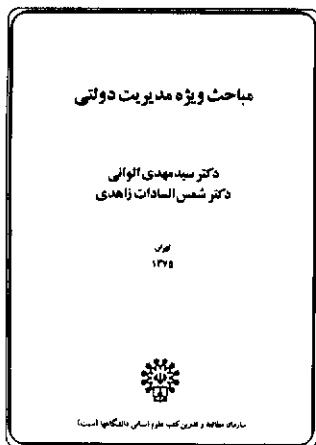


مباحث ویژه مدیریت دولتی

مؤلفان: دکتر سیدمهدی الوانی و دکتر شمس‌السادات زاهدی

ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت) تهران، ۱۳۷۵

مؤلفان محترم در پیشگفتار کتاب آورده‌اند: «در حال حاضر اغلب کتب و متون مدیریت به همراه مجموعه‌ای از قضایا و موارد خاص ارائه می‌شود. مطالعه قضایایی که عملاً به وقوع پیوسته دانشجویان را با مسائلی که مدیران با آن درگیر هستند آشنا می‌کند... و آنها در شرایطی قرار می‌گیرند که باید با بهره‌گیری از مطالبی که آموخته‌اند به حل مشکلات طرح شده بپردازند و کارآمدی نظریه‌ها و قدرت خود را در بکارگیری آنها محک بزنند.»



این کتاب حاوی قضایا و موارد متنوع مدیریتی است و هدف اصلی آن آشنا کردن دانشجویان با مورد پژوهی است. در فصول اول تا پنجم کتاب قضایایی متضمن مشکلی از مشکلات اداری کشور بیان و تحلیل شده است. در بیان و تحلیل این قضایا مؤلفان کوشیده‌اند که اطلاعات مهم و مطالب اساسی در اختیار خواننده قرار گیرد و در طرح و تحلیل قضایا به نظریه‌هایی که در مدیریت مطرح است نظر داشته‌اند تا خوانندگان علاقه‌مند و مخصوصاً دانشجویان، موارد اطلاق و کاربرد نظریه‌ها را بهتر بشناسند.